

وقتی مردم پابرهنه به دنبال امام رضا(ع) راه افتادند

ماجرای خواندنی نماز عید فطر سال ۲۰۱ هجری

۶ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۳۷

سال ۲۰۱ هجری امام رضا(ع) بالاجبار ولایتعهدی را پذیرفت و به مرو آمد. ماه رمضان که تمام شد، مأمون از امام خواست نماز عید فطر را اقامه کنند اما حضرت قبول نکرد. قاصد میان آن دو در رفت آمد بود تا اینکه امام رضا(ع) با این شرط که مانند جدش رسول الله(ص) نماز عید بخواند، این امر را قبول کرد.

نماز عید فطر سنت به جا مانده از پیامبر اعظم(ص) بود که در دوران خلفای عباسی با شیوه‌ای متفاوت اقامه می‌شد. تا جایی که خلیفه با لباس‌های مطلا همراه با خدم و حشم خود به مصلی می‌رفت و نماز می‌خواند و با کبر و غرور باز می‌گشت.

اما در سال ۲۰۱ هجری و با پذیرش ولایتعهدی از سوی امام رضا(ع)، نماز عید فطر رنگ و بوی دیگری به خود گرفت و حضرت با خضوع و خشوع با پای برهنه برای رفتن به مصلای شهر اقدام کردند. شیخ مفید در کتاب «الارشاد» می‌نویسد این شیوه‌ای بود که امام رضا(ع) از نیاکان خود یعنی رسول الله(ص) و امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب(ع) آموخته بود و تنها با این شرط که مانند آنان نماز بگذارد، به خواسته مأمون پاسخ مثبت داد.

مأمون نیز به فرماندهان، نگهبانان و مردم دستور داده بود صبح زود برای نماز به در خانه امام رضا(ع) بروند. ریان بن صلت در اینباره می‌گوید: مردم در راه‌ها و روی پشت‌بام‌ها نشسته بودند و زنان و کودکان نیز جمع شده بودند. فرماندهان و لشکریان همگی سوار بر مرکب‌های خود در خانه امام منتظر بودند تا اینکه آفتاب طلوع کرد. آن‌گاه ابوالحسن(ع) غسل کرد و جامه‌اش را پوشید و عمامه‌ای سفیدرنگ و پنبه‌ای را بر سر بست که یک سر آن را روی سینه انداخته و طرف دیگرش را میان دو کتف خود انداخته بود و کمی هم عطر زده بود. سپس عصایی بر دست گرفت و به همراهان خود فرمود: شما هم کاری را انجام دهید که من کردم. آنان پیشاپیش امام حرکت کردند.

امام در حالی که پاچه‌های شلوار را تا نصف ساق بالا زده بود و آستین را هم بالا زده بود، به راه افتاد. اندکی راه رفت، آن‌گاه رو به آسمان کرد و تکبیر گفت و صدای تکبیر اطرافیان نیز او را همراهی می‌کرد؛ «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَانَا وَ لَهَ الشُّكْرُ عَلَيَّ مَا أَوْلَانَا». فرماندهان سپاه و سران قبایل نیز که انتظار دیدن چنین صحنه‌ای را نداشتند، از اسب‌های خود پیاده شدند و به شهادت تاریخ، بند چکمه‌های خود را با چاقو بریدند تا هر چه زودتر پیاده و با پای برهنه پشت حضرت حرکت کنند و تکبیر بگویند.

حالا دیگر شهر مرو یکپارچه شور و غوغا بود و فریاد «الله اکبر» دیوارها را به لرزه انداخته بود.

فضل بن سهل ذوالریاستین خبر این ماجرا به مأمون داد و او را از شورش مردم علیه حکومت بیم داد و پیشنهاد کرد فرد دیگری به جای ابوالحسن(ع) نماز بخواند. مأمون پذیرفت و به امام پیغام داد بازگردد تا امام جماعت همیشگی این امر را به سرانجام برساند. تاریخ می نویسد: با بازگشت امام، مردم نیز پراکنده شدند و نماز منظمی خوانده نشد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۷۶۲۲/ماجرای-خواندن-نماز-عیدفطر-۲۰۱-هجری>